

on the deduction way;  
Jurisprudence Quarterly of  
and Principles, Scientific  
Association of Figh Higher  
Education Comlex, Year 9,  
No 20& 21, Spring/Summer,  
2019. pp. 79 - 120

در مسیر استنباط؛ فصلنامه  
انجمن علمی پژوهشی فقه و  
اصول مجتمع آموزش عالی فقه،  
سال نهم، شماره ۲۰ و ۲۱، بهار  
و تابستان ۱۳۹۸، صفحات  
۷۹-۱۲۰

## مسئولیت مدنی حفاظت از حیوانات در فقه امامیه و حقوق

□ حسن عظیمی \*

### چکیده

امروزه حقوق حیوانات و حفظ گونه‌های مختلف آن‌ها، از جمله مسائلی است که در سراسر جهان از جانب دولت‌ها و سازمان‌ها و عموم کسانی که به مسائل زیست محیطی و حمایت از حیوانات علاقمند می‌باشند، مورد توجه قرار گرفته است. در اسلام، نیز در کنار مسائلی مربوط به انسان‌ها و حقوق آن‌ها، مسائل محیط زیست و از جمله حیوانات، مورد بحث واقع شده است. در منابع فقهی به استناد آیات و روایات متعدد، حقوق مختلفی برای حیوانات مطرح شده و مسلمانان ملزم به رعایت آن‌ها گردیده و مسئولیت مدنی حفاظت از حیوانات بیان شده است. حفاظت از حقوق حیوانات تنها به مالک اختصاص نداشته بلکه همه مردم در برابر آن مسئولیت دارند. حتی به صراحت در متون فقهی، حاکم شرع را مسئول رسیدگی و اقامه دعوی در جهت بهبود وضع حیوانات در برخی شرایط، می‌دانند.

کلیدواژه‌ها: حیوان، محیط زیست، مسئولیت مدنی، دولت، فقه و حقوق

---

\* سطح چهار جامعه المصطفی العالمیه

## مقدمه

در اسلام و تمام اندیشه‌های دینی این اصل به صورت کلی پذیرفته شده که هر چه در نظام هستی، آفریده شده اند ضرورتی وجود و یا حیات آن‌ها را، اقتضا کرده است؛ هیچ چیزی در این عالم ذاتا اضافه، تصادفی و یا مضرّ به دیگران نیست بلکه همه در جای خود در داخل یک نظم، زنجیره‌ای را تشکیل می‌دهند که از یک طرف مکمل نقش‌ها در نظم حیات است و از طرفی، منعکس کننده‌ای زیبایی‌ها و رازهای شگفت است. این ادعا در واقع لبّ لباب نظریه‌ای است که شیخ محمود شبستری در گلشن راز، سروده است:

«جهان چون چشم و خط و خال و ابروست  
که هرچیزش به جای خویش نیکوست.  
اگر یک ذره را برگیری از جای  
خلل یابد همه عالم سراپای..»

از این‌رو، در میان پدیده‌ها، هر چه از استعداد و شرایط حیاتی بهره‌مندتر اند در چرخه حیات مهم‌تر خواهند بود و حیوانات افزون بر این که برخی گونه‌های آن به طور مسنقیم در تولید و تأمین نیازهای روزانه انسان‌ها، نقش دارند ده‌ها نقش دیگر در محیط زیست دارند که هر گونه بی‌پروایی و بی‌توجهی به آن‌ها می‌تواند زیان‌های غیر قابل جبران بر طبیعت و چرخه حیات انسانی بگذارد. برخی از این کارکردها را امروزه بشر با علوم تجربی کشف کرده و شناخته اند اما درصدهای بیش‌تر آن هنوز، ناشناخته مانده اند. چندین سازمان و نهاد در سطح جهانی برای حمایت از حقوق حیوانات شکل گرفته و برخی از آن‌ها، به صورت اختصاصی، گونه‌های از آن را که خطر انقراض تهدید می‌کند، مورد حمایت قرار داده‌اند.

با توجه به این ملاحظات، لازم است مسأله‌ای توجه به حیوانات و حمایت از آن‌ها، با رویکرد فقهی مورد کاوش قرار بگیرد؛ زیرا، تنها اذعان به این که زندگی و وجود حیوانات در نظام هستی و یا چرخه حیات، یک ضرورت است کافی نیست حتی تدوین حقوق و یا تشکیل نهادهای حمایتی، نمی‌تواند از آنان محافظت و حمایت نمایند بلکه باید قبل از این وظایف و مسئولیت‌های شرعی که در این زمینه داریم، شناخته شود.

اکثریت دولت‌ها و نیز در سطح بین‌الملل، حقوقی و یا سازوکارهای حمایتی را از حیوانات، در برنامه‌های بلندمدت و یا کوتاه‌مدت خویش گنجانده و در تکمیل و توسعه آن می‌کوشند اما قبل از این آنچه اهمیت دارد جهت‌گیری‌ها و دیدگاه‌های فقهی است تا مسئولیت‌ها در سطوح مختلف، روشن و مشخص گردد. کم‌تر ز این، هر گونه تلاش و تقلا، هر پوششی که داشته باشد، خیلی مؤثر نخواهد بود.

## مفهوم‌شناسی

### ۱. مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی در حقوق: مسئولیت مدنی در اصطلاح حقوقی دارای معنای عام و خاص است. در معنای عام به هرگونه تعهدی که قانون بر عهده شخص قرارداده باشد تا زیان وارد شده به دیگری را جبران کند، مسئولیت مدنی می‌گویند، اعم از این که ریشه قراردادی داشته باشد یا نه. بر این اساس، مسئولیت مدنی به دو شاخه «مسئولیت مدنی قراردادی» و «مسئولیت غیر قراردادی» تقسیم می‌شود. اما مسئولیت مدنی به معنای خاص، فقط مسئولیت مدنی غیرقراردادی را در بر می‌گیرد.<sup>۱</sup> واژه مسئولیت در زبان عربی مصدر جعلی از «مسؤل» است و در آیات و احادیث اسلامی به معنای «مورد بازخواست و مجازات واقع شدن به دلیل انجام یا خودداری از انجام کاری» استعمال شده است؛<sup>۲</sup> معنای مسئولیت در فقه را باید در کلمه ضمان جستجو کرد. ضمان در لغت به معنای بر عهده گرفتن، ملتزم شدن و کفیل شدن آمده است<sup>۳</sup> ضمان در اصطلاح فقها به معنای تعهد و الزام و التزام آمده است. مرحوم شیخ انصاری ضمان را این گونه تعریف می‌کند: الضمان کون الشیء فی عهدة الضامن و خسارته علیه؛ ضمان یعنی بودن یک چیز یا خسارت آن بر عهده شخص ضامن است.<sup>۴</sup>

۱. بادینی، حسن، فلسفه مسئولیت مدنی؛ ص ۳۲-۳۳.

۲. اسراء: ۳۶.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۵۷.

۴. شیخ انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، ج ۳، ص ۱۸۳.

## ۲. فقه

لغت شناسان عرب واژه فقه را به مطلق فهم، علم و ادراک معنا کرده اند.<sup>۱</sup> فقه در اصطلاح عبارت است از علم به احکام شرعی فرعی که از راه ادله تفصیلی آن (قرآن، سنت، اجماع و عقل) به دست می آید.<sup>۲</sup> شهید صدر فقه را این گونه تعریف می کند: علم فقه تکلیف عملی ما را در قبال شریعت اسلامی با استدلال و دلیل بیان می کند. در علم فقه کار فقیه همواره تعیین تکلیف در هر واقعه و حادثه ای از وقایع و حوادث زندگی است... با توجه به بیانی که گذشت. بنابراین، می توان گفت که علم فقه عبارت از علم به استنباط احکام شرعی و یا به بیان دیگر، علم استنباط است.<sup>۳</sup>

## ۳. زیان

کلمه زیان مترادف ضرر است.<sup>۴</sup> لغت شناسان، ضرر و کلمات هم خانواده آن را در معانی چون: «ضد نفع»،<sup>۵</sup> «خلاف نفع»،<sup>۶</sup> «سوء حال»،<sup>۷</sup> «نقصانی که در چیزی وارد می شود»،<sup>۸</sup> و «ضیق»<sup>۹</sup> به کار برده اند. ضرر در فقه به معنی صدمه جانی زدن به خود و دیگری، تجاوز به حیثیت دیگران و لطمه زدن به حیثیت خود، یا تعرض به ناموس دیگران یا اتلاف و ناقص کردن اموال خود و دیگران یا تجاوز به مال غیر مانند غضب و

۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح اللغة، ج ۶، ص ۲۲۴۳؛ فیومی، احمد بن محمد مقرئ، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۴۷۹؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب ج ۱۳ ص ۵۲۲.

۲. عاملی، حسن بن زین الدین، معالم الدین، ص ۲۶.

۳. شهید صدر، محمد باقر، دروس فی علم الأصول، ج ۱، ص ۳۶.

۴. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، ج ۹، ص ۱۳۰۵۶؛ معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۱۷۶۷؛ لنگرودی، جعفری، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۳۴۵.

۵. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، ج ۲، ص ۷۵.

۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح اللغة، ج ۲، ص ۲۱۹.

۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۰۳.

۸. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۷۳. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية، ج ۳، ص ۸۱.

فیومی، احمد، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۳۶۰.

۹. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس، ج ۷، ص ۱۲۲.

خیانت در امانت و اختلاس یا ممانعت از وجود پیدا کردن نفعی که مقتضی وجود آن حاصل شده است (عدم النفع) به کار رفته است، ولی در حقوق مدنی ضرر ممکن است بر از بین رفتن مالی یا فوت شدن منفعتی که از عدم انجام تعهد حاصل گردیده، اطلاق شود. ضرر ممکن است مادی باشد یا معنوی. ضرر مادی مثل ضرر مالی و بدنی به غیر و ضرر معنوی مثل ضرر به عرض و آبروی دیگری.<sup>۱</sup> با توجه به تعریف های تخریب و ضرر از آنجا که تخریب ممکن است معنوی باشد مثل از بین بردن مناظر طبیعی، و ضرر و زیان هم شامل اموال خصوصی و عمومی می‌گردد، می‌توان گفت رابطه تخریب و زیان رابطه تساوی است و استعمال تخریب به جای زیان مانعی ندارد.

#### ۴. حقوق

حقوق جمع حق به معنی ثابت، ضد باطل، مطابقت و موافقت آمده است.<sup>۲</sup> و در اصطلاح، حقوق تعاریف گوناگونی دارد که به یکی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع، قاعده حقوقی برای هر کس امتیازهایی در برابر دیگران می‌شناسند و توانایی ویژه‌ای به او اعطا می‌کند. این امتیاز و توانایی را، که حقوق هر جامعه منظم برای اعضای خود می‌شناسد، حق می‌نامند، که جمع آن حقوق است.<sup>۳</sup>

### گفتار اول. مسئولیت مدنی حفاظت از حقوق حیوانات

#### ۱. حفاظت از حیات و سلامتی حیوانات

##### ۱-۱. حق حیات

حفاظت از زندگی و جان حیوانات همچون حفاظت از زندگی انسان‌ها، یک اصل در حقوق اسلامی است<sup>۴</sup> که بر تمام مسلمانان واجب است بر انجام آن بکوشند.<sup>۱</sup> قرآن

<sup>۱</sup>. لنگرودی، جعفری، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۴۱۵.

<sup>۲</sup>. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۴۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ذیل کلمه حق.

<sup>۳</sup>. کاتوزیان، ناصر، کلیات حقوق، ص ۱۴.

<sup>۴</sup>. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام، ج ۱۲، ص ۱۲۰.

کریم ارزش جان یک انسان را همانند ارزش جان تمام انسان ها دانسته، زندگی بخشیدن به انسان را زندگی بخشیدن به تمام انسان ها می داند:

مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا؛ هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان ها را کشته؛ و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.<sup>۲</sup>

در منابع حدیثی نظیر این تعبیر در مورد حیوانات نیز به کار رفته است؛ مثلاً، امیرالمؤمنین امام علی (ع) از به عهده گرفتن اداره زندگی حیوانی که مالکش آن را به دلیل ناتوانی از تأمین هزینه هایش رها کرده و جانش در معرض خطر است، تعبیر به زندگی بخشیدن (احیاء) می کند.<sup>۳</sup> در اندیشه اسلامی حتی جان حشرات نیز مورد حمایت قرار گرفته است. پیامبر گرامی اسلام (ص) به مسلمانان پیشنهاد می کند که از تردهای غیر لازم شبانه در سطح معابر خودداری کنند تا این موجودات کوچک که معمولاً شب ها برای تهیه غذا از لانه خود بیرون می آیند، زیر دست و پای افراد لگد مال نشوند.<sup>۴</sup> در متون فقهی شیعه به عبارت های گوناگون حفاظت از جان حیوان و تهیه آب و علوفه آن ها مورد تأکید واقع شده و مسلمانان را به رعایت آن ملزم نموده است.<sup>۵</sup> برخی از فقیهان می نویسند:

كما يجب بذل المال لابقاء الأدمى يجب بذله لابقاء البهيمة المحترمة وان كانت

۱. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام، ج ۶، ص ۲۶۶؛ سبزواری، محقق، محمد باقر، کفایة الاحکام، ج ۲، ص ۷۰؛ کاشانی، فیض، محمد محسن، مفاتیح الشرائع، ج ۳، ص ۱۹۸.

۲. مانده: ۳۲.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۱۴۱.

۴. «وَقَالَ الصَّادِقُ (ع) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَتَى الْخُرُوجَ بَعْدَ نَوْمَةٍ فَإِنَّ لِلَّهِ ذَوَابَّ يَبْتُهَا يُفَعَّلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ».

طوسی، محمد بن حسن، الاستبصار، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۹۰ ق، چاپ اول، ج ۲، ص ۸۶؛

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۶۴.

۵. ابن حمزه، طوسی، محمد بن علی، الوسيلة، ص ۲۸۷، طوسی، محمد بن حسن، المسبوط، ج ۶، ص ۴۷، حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۳۳۲، عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، ج ۵، ص ۴۸۱، فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام، ج ۷، ص ۶۱۱.

ملکا للغير... ولو كان للانسان كلب غير عقور جائع وشاة فعليه اطعام الشاة».<sup>۱</sup> همان گونه که برای ادامه حیات انسان، هزینه کردن مال، واجب است برای ادامه حیات حیوان محترم، نیز این کار واجب است، گرچه حیوان از آن دیگری باشد... و اگر انسان، سگی غیر گزنده گرسنه و گوسفند داشته باشد، بر او، آب و علف دادن گوسفند، واجب است. مرحوم صاحب جواهر در صورت عدم کفایت نفقه برای حفظ جان سگ و جان گوسفند حفظ جان سگ را مقدم می‌داند زیرا گوسفند را می‌توان ذبح کرد و از گوشت آن استفاده نمود اما این کار در مورد سگ ممکن نیست.<sup>۲</sup> برخی از فقیهان تصریح نمودند که ذبح حیوانات اگرچه برای خوردن باشد در صورتی که احتمال خطر انقراض نسل آنان داده شود، حرام است.<sup>۳</sup> حفاظت از حیوانات چنان مورد تأکید واقع شده که اگر شخصی مقداری آبی دارد که اگر بخواهد وضو بگیرد حیوان تشنه می‌ماند، باید حیوان را سیراب کند و برای نماز تیمم نماید.<sup>۴</sup> در حفاظت از جان حیوان و سیراب کردن او، لازم نیست که حیوان به اندازه ای تشنه باشد که اگر آب به مصرف او نرسد، از شدت تشنگی بمیرد، بلکه احتمال به خطر افتادن جان حیوان حتی در آینده نیز، سبب مقدم بودن سیراب کردن حیوان بر وضو می‌شود.<sup>۵</sup> در گذشته، در میدان نبرد، گاهی جنگاوران، اسب‌های خود را برای این‌که در اختیار دشمن قرار نگیرند، پی می‌کردند. این کار وقتی انجام می‌گرفت که دیگر برای جنگاور، استفاده از آن حیوان ممکن نبود. فقیهان این کار را جایز نمی‌دانند و از آن منع کرده‌اند.<sup>۶</sup> در منابع فقهی تصریح شده است که در غیر ضرورت نظامی کشتن و پی کردن اسبان، چهارپایان و حیوانات اهلی کفار جایز نیست، هرچند این عمل به خاطر خشمگین کردن دشمن باشد، چرا که حیوان دارای حرمتند.<sup>۷</sup>

۱. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، مسالك الافهام، ج ۱۲، ص ۱۲۰.

۲. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۴۳۷.

۳. حسینی، سید محمد، الفقه، البیئة، ص ۲۳۴.

۴. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۵، ص ۱۱۴.

۵. همان، ص ۱۱۵.

۶. همان، ج ۲۱، ص ۸۲.

۷. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، ج ۵، ص ۵۱۸-۵۱۹. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)،

تذکره الفقهاء، ج ۹، ص ۷۱-۷۳.

فقیهان شیعه با استناد به روایات که از معصومین (ع) به ما رسیده است، تعرض به حیوانات و کشتن آن‌ها را جایز نمی‌دانند، زیرا حیوانات نیز همانند انسان‌ها از حق حیات بهره‌مند است.<sup>۱</sup> برخی فقیهان در این باره می‌نویسد: «از آنجا که دلیل شرعی بر اباحت کشتن حیوانات غیرمؤذی و یا آن‌ها که اذیت‌شان ناچیز است - مانند مورچه - نداریم، کشتن آن‌ها جایز نیست، اما کشتن حیوانات مؤذی مانند درندگان و مارها جایز است».<sup>۲</sup> حفظ جان حیوانات و پرهیز از کشتن آن‌ها تا بدان‌جا در فقه شیعه مورد تأکید قرار گرفته است که صید و شکار حیوانات را در غیر نیاز جایز نمی‌دانند و اگر صید حیوانات نیازمند به سفر باشد، آن سفر معصیت بوده و نماز صیاد مسافر کامل بوده و اگر در ماه رمضان باشد روزه بر او واجب است.<sup>۳</sup> مستند فتاوی فقیهان<sup>۴</sup> در رابطه با حق حیات حیوانات روایات فراوانی است که در این زمینه وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. در روایتی آمده است که امام صادق (ع) فرمود: «کثیف‌ترین گناهان سه چیز است: کشتن حیوانات، ندادن مهریه زنان، و نپرداختن دستمزد کارگر».<sup>۵</sup> این روایت صراحت دارد بر این‌که کشتن و نابود کردن حیوانات از بدترین و کثیف‌ترین گناهان است. البته مراد از کشتن حیوانات کشتن بدون ذبح و بدون حاجت به آن است. در روایتی دیگری سکونی از امام صادق (ع) نقل نموده است که امام (ع) فرمود: «حیوانات بر صاحب خود شش حق دارد؛ بیش از طاقت حیوان از او کار نکشد. پشت حیوان را محلی که بر آن بنشینند و با دیگران سخن بگویند، قرار ندهد. هرگاه پیاده شود به فکر تهیه علوفه و خوراک حیوان باشد. او را دشنام ندهد. به صورت حیوان نزنند، زیرا او تسبیح

۱. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)، منتهی المطلب، مشهد، ج ۲، ص ۹۰۹-۹۱۰؛ عاملی، زین

الدین بن علی (شهید ثانی)، مسالک الافهام، ج ۱۵، ص ۳۸۳.

۲. علی بن حسین موسوی سید مرتضی، الرسائل، ج ۲، ص ۳۷.

۳. حلی، یحیی بن سعید، الجامع للشرائع، ص ۹۱؛ حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)، قواعد الأحکام، ج ۱، ص ۵۰.

۴. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط، ج ۶، ص ۴۷؛ فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام، ص ۶۱۱، نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۹۵.

۵. «عَنِ الصَّادِقِ (ع) قَالَ: أَقْدَرُ الذُّنُوبِ ثَلَاثَةٌ قَتْلُ الْبَيْهَمَةِ وَ حَبْسُ مَهْرِ الْمَرْأَةِ وَ مَنَعُ الْأَجِيرِ أَجْرَهُ». طبرسی، حسن

بن فضل، مکارم الأخلاق، ص ۲۳۷.



خدا را می‌گوید. هرگاه به آب رسیدند آب را بر او عرضه کنند»<sup>۱</sup>. در این حدیث که از لحاظ سند صحیح و قابل اعتماد است حقوق حیوانات و احترام به آن‌ها بیان شده است و مالکان حیوانات به رعایت حقوق حیوانات سفارش شده است. از حضرت رسول(ص) نقل شده است که فرمود:

«در شب معراج، زنی بدکاره ای را در بهشت دیدم، از علت داخل شدن وی به بهشت پرسیدم، در پاسخ گفتند: او بر سگی گذشت که در چاهی افتاده بود و از شدت تشنگی نزدیک بود هلاک شود، آن زن، لباس خود را به چاه انداخت و آب آن را در دهان سگ فشرد تا این که سگ سیراب شد و خداوند او را بخشید»<sup>۲</sup>.

این روایت دلیل روشن است بر این که همه انسان در برابر حیوانات مسئول هستند که باید حقوق حیوانات را رعایت کند و آن‌ها را از تلف شدن نجات دهد. زیرا عذاب حیوانات و رنج دادن آن‌ها کار ناپسند و عذاب اخروی را به دنبال دارد. و در برابر آن حفظ جان حیوان واجب و سبب غفران گناهان می‌شود.

## ۲-۱. حق سلامت جسمی

### آزار و اذیت حیوانات:

تجاوز به حقوق حیوانات از جمله کارهایی است که تمام ادیان الهی بر حرمت آن اتفاق نظر دارند. اما در هر جامعه ای به سنت های غلط و ناروایی بر می‌خوریم که محور اصلی آن آزار و اذیت حیوانات است. از این قبیل سنت های خرافی که رد پای آن را به شکل های دیگر در سایر جوامع نیز می‌توان پیدا کرد، دو خرافه «حبس البلیا» و «ضرب الثور» است که در شبه جزیره عربستان رواج داشته است. هرگاه فردی از دنیا

<sup>۱</sup>. «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا سِتَّةُ حُقُوقٍ لَا يُحْمَلُهَا فَوْقَ طَاقَتِهَا وَلَا يَتَّخِذُ ظَهْرَهَا مَجَالِسَ يَتَحَدَّثُ عَلَيْهَا وَيَبْدَأُ بِعَلْفِهَا إِذَا نَزَلَ وَلَا يَسْمُهَا وَلَا يَضْرِبُهَا فِي وَجْهِهَا فَإِنَّهَا تَسْبُحُ وَيَعْرِضُ عَلَيْهَا الْمَاءَ إِذَا مَرَّ بِهِ». کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، ص ۵۳۷.

<sup>۲</sup>. «قال رسول الله صلى الله عليه وآله: و اطلعت على الجنة فرأيت امرأة ومسة يعني زانية فسألت عنها فقيل إنها مرت بكلب يلهث من العطش فأرسلت إزارها في بئر فعصرتة في حلقة حتى روي فغفر الله لها». طوسی، محمد بن حسن، المبسوط، ج ۶، ص ۴۷.

می‌رفت، شتری او را در چاله ای که کنار قبر او حفر می‌کردند، بدون آب و علف نگه می‌داشتند تا بمیرد. به چنین شتری «بلیه» و به این عمل «حس البلیا» گفته می‌شد و هدف از انجام آن این بود که شخص متوفی در روز قیامت پیاده نباشد. <sup>۱</sup> یکی دیگر از خرافه های جاهلیت عرب «ضرب الثور» بوده است. هنگامی که گاو ها را برای نوشیدن آب، کنار آب می‌بردند، اگر گاو ماده آب نمی‌خورد آنان تصور می‌کردند که علت آن وجود دیوی در میان شاخ های گاو نر است که نمی‌گذارد گاو ماده آب بنوشد! از این جهت برای راندن دیو، به سر و صورت گاو نر می‌زدند. <sup>۲</sup> یکی از نخستین اقدامات اسلام، مبارزه با چنین خرافاتی بود که به طور محدود یا گسترده در شبه جزیره عربستان رایج بود. پیامبر گرامی اسلام (ص) بارها یاران خود را از انجام چنین کارهایی نهی کرده است. در حدیثی آمده است: «فَإِنَّ النَّبِيَّ (ص) قَدْ نَهَى عَنْ تَغْدِيبِ الْحَيَّوَانِ؛ پیامبر اکرم (ص) از آزار و اذیت حیوانات نهی کرده است». <sup>۳</sup> امیرمؤمنان علی (ع) نیز به صراحت اعلام می‌دارد که اگر همه عالم را به او دهند، حاضر نیست در برابر آن، پوست جوی را از دهان مورچه ای بگیرد:

وَ اللَّهُ لَوْ أُعْطِيَ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتُ أَفْلَاكِهَا عَلَيَّ أَنْ أَعْصِيَ اللَّهَ فِي نَمْلَةٍ  
أَسْلُبُهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ؛ به خدا قسم اگر همه آسمان ها و زمین را به من دهند و در  
مقابل از من بخواهند با گرفتن پوست جو از دهان مورچه ای خدا را نافرمانی کنم، این  
کار را نخواهم کرد. <sup>۴</sup>

بر این اساس، نه تنها انجام هر عملی که باعث آزار و اذیت حیوان شود، جایز نیست، بلکه سکوت در برابر رفتار های ناشایست دیگران نسبت به حیوان نیز جایز نمی‌باشد و باید دیگران را از آزار و اذیت حیوانات بازداشت. در روایتی آمده است امام صادق (ع) از پدران بزرگوارش نقل می‌کند که پیامبر اکرم (ص) فرمود:

لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا خِصَالٌ... وَ لَا يَضْرِبُ وَجْهَهَا فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّهَا... حیوان

<sup>۱</sup> نوری، یحیی، اسلام و عقائد و آراء بشری، ص ۵۰۹.

<sup>۲</sup> پیشوایی، مهدی، تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام)، ص ۵۷.

<sup>۳</sup> مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۲۴۴.

<sup>۴</sup> نهج البلاغه، خطبه ۲۲۵.

بر صاحبش حقوقی دارند از جمله آن ها این است که به صورت حیوان نزنند، زیرا او، خدایش را تسبیح می‌کند.<sup>۱</sup>

این حدیث که سند آن صحیح است دلالتش بر احترام به حیوانات و نزدن آن ها صریح و روشن است. در فقه شیعه، به حقوق حیوانات تأکید شده است تا جایی که از آزار و اذیت حیوانات در هنگام ذبح نیز نهی شده و تأکید شده است که باید ذبح حیوانات به آسانی انجام شود تا از رنج کشیدن حیوانات کاسته شود. برخی فقیهان می‌نویسد:

و لا یجوز ذبح شیء من الحیوان صبرا، و هو أن یدبح شیئا و ینظر الیه حیوان آخر و لا یجوز سلخ الذبیحة إلا بعد بردها فإن سلخت قبل أن تبرد، أو سلخ شیء منها، لم یحلّ أكله؛ سر بریدن حیوان در حالی که حیوان دیگر به او نگاه می‌کند، روا نیست و پوست کندن حیوان روا نیست مگر پس از این که سرد شود. بنابراین، اگر همه حیوان یا بخشی از آن را پیش از سرد شدن، پوست بکنند، خوردن آن حلال نیست.<sup>۲</sup>

#### (۱) به جنگ انداختن حیوانات:

یکی از سرگرمی هایی که از دیر باز رواج داشته و انسان ها برای تفریح و خوشگذرانی به آن مبادرت می‌کردند، به جنگ انداختن حیوانات است. امروزه در مناطق مختلف جهان از کشور های توسعه گرفته تا غیر آن، به جنگ انداختن حیوانات مرسوم است حتی در شبکه های اجتماعی به ضبط و پخش این مسابقات پرداخته و به نوعی در ترویج آن نقش دارند. در این میان همواره انسان های فرهیخته و انجمن های مختلف حمایت از حیوانات، سعی در جلوگیری از این کار دارند، هرچند توفیق چندانی نیافته اند و این عمل ناپسند هنوز منسوخ نشده است اما در اسلام از این عمل نهی شده و آن را ممنوع ساخته است. ابن سיעد حلی ضمن نقل حدیثی از پیامبر اسلام (ص) می‌نویسد:

«نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنْ تَحْرِيشِ الْبَهَائِمِ مَا خَلَا الْكِلَابَ؛ پیامبر اکرم (ص) نهی

<sup>۱</sup>. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۷۸.

<sup>۲</sup>. طوسی، محمد بن حسن، النهایة، ص ۵۸۴.

فرموده است از به جنگ واداشتن حیوانات، جز سگ ها».<sup>۱</sup>  
 در روایتی آمده است که از امام صادق (ع) درباره به جنگ انداختن حیوانات سؤال شد. امام (ع) فرمود: این عمل در همه موارد مکروه است مگر در میان سگ ها».<sup>۲</sup> این روایت که از لحاظ سند صحیح است دلالتش بر عدم جواز به جنگ انداختن حیوانات صریح و روشن است. در روایت دیگری مسمع می گوید: از امام صادق (ع) پیرامون به جنگ انداختن میان بهائم سؤال کردم، امام (ع) فرمود:  
 أَكْرَهُ ذَلِكَ إِلَّا الْكِلَابَ.<sup>۳</sup>

علامه مجلسی به شرح و توضیح این روایت صحیحه پرداخته و می نویسد: مراد از جواز این عمل در سگ ها، انداختن سگ ها به جان یکدیگر نیست، بلکه آموزش و تمرین آن ها برای شکار است که بتوان آن ها را به سوی حیوانات دیگر فرستاد تا آن ها را صید کند.<sup>۴</sup> اگرچه در روایات به «کراحت» این عمل اشاره شده است اما مراد از کراحت، کراحت اصطلاحی نیست، بلکه کراحت در عرف روایات اعم از حرمت می باشد و در این جا بعید نیست - به موجب لهو و لعب بودن این عمل و ضرری که بدون هیچ منفعتی به حیوانات می رسد - قائل به حرمت شویم.<sup>۵</sup> برخی از فقیهان نیز کراحت را اعم از حرمت دانسته و به سبب لغو بودن عمل و اضرائی که به حیوان می رسد، قائل به حرمت شده اند.<sup>۶</sup>

### ۳-۱. حق سلامت جنسی

از اموری که در طول تاریخ معمول و رایج بوده عقیم نمودن و خصی کردن حیوانات است. این عمل ضمن این که اذیت و آراز حیوان را در پی دارد محروم نمودن حیوان از حق تولید مثل در طول زندگی است. برخی از فقیهان با استناد به اصل مالکیت، مدعی

۱. حلی، یحیی بن سعید، الجامع للشرائع، ص ۳۹۸.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، ص ۵۵۳.

۳. همان، ص ۵۵۴.

۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۲۲۷.

۵. همان.

۶. فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، ج ۲۰، ص ۸۷۳.

اند که چون انسان مالک حیوانات است و مالک می‌تواند در ملک خود هرگونه تصرف کند (الناس مسلطون علی اموالهم) پس می‌توان برای سرکوبی هیجانانگیزی یا فربه کردن حیوانات آن‌ها را اخته کرد و روایاتی که از اخته کردن حیوانات منع می‌کند حمل بر کراهت کرد.<sup>۱</sup> در برابر، فقهای همچون ابو الصلاح حلبی، ابن براج چنین عملی را حرام می‌دانند، زیرا سودمند بودن یک عمل هنگامی دلیل بر جواز انجام آن می‌شود که مانعی شرعی وجود نداشته باشد، در حالی که عقیم سازی حیوانات، افزون بر حرمت آزار حیوانات، سخنان پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) در ناروا بودن این کار، برای اثبات حرمت آن کافی است.<sup>۲</sup>

## ۲. حفاظت از حیوانات هنگام بهره برداری

### ۲-۱. تأمین نفقه حیوانات

یکی از حقوق حیوان تأمین نفقه آن هاست. نفقه عبارت است از تهیه مایحتاج حیوان اعم از آب، علوفه و یا هر غذایی که مورد نیاز حیوان باشد. فقیهان تأمین نفقه حیوان را بر صاحب آن واجب می‌دانند چه آنکه مورد استفاده و بهره‌وری واقع شده یانه، حلال گوشت باشد یا حرام گوشت پرنده باشد یا غیر آن؛ زیرا حیوان دارای احترام و حرمت است و همانند انسان‌ها حق حیات دارند.<sup>۳</sup> در کتاب شرایع آمده است:

و أما نفقة البهائم المملوكة فواجبة سواء كانت مأكولة أو لم تكن و الواجب القيام بما يحتاج إليه فإن اجتزأت بالرعي و إلا علفها.<sup>۴</sup> تأمین نفقه چهارپایان که ملک انسان است واجب است، چه حلال گوشت باشد و چه حرام گوشت و باید همه نیازهای آن‌ها تأمین گردد. پس اگر حیوان با چریدن نیاز خود را تأمین کند، نیاز به تأمین نفقه او

<sup>۱</sup> حلی، محمد بن منصور (ابن ادریس)، السرائر، ج ۲، ص ۲۱۵، ۲۱۶.

<sup>۲</sup> حلبی، ابو الصلاح، الکافی فی الفقه، ص ۲۸۱؛ ابن براج طرابلسی، عبدالعزیز، المهذب، ج ۱، ص ۳۴۵.

<sup>۳</sup> طوسی، محمد بن حسن، مبسوط، ج ۶، ص ۴۷. حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی)، شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۲۹۸. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، الروضة البهیة، ج ۵، ص ۴۸۱-۴۸۲. فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام، ج ۷، ص ۶۱۱؛ طباطبایی، سید علی، ریاض المسائل، ج ۱۰، ص ۵۵۳. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۹۲.

<sup>۴</sup> حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی)، شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۲۹۸.

نیست و گرنه واجب است علوفه آن را تهیه کند و به او بدهد. در متون فقهی آمده است که اگر مالک از انفاق بر حیوان امتناع کند و حیوان قابل تذکیه باشد، حاکم شرع مالک را بر یکی از این سه کار اجبار می‌کند: ۱. انفاق و رسیدگی به حیوان. ۲. فروش حیوان به دیگری. ۳. ذبح و تذکیه آن تا از گوشت آن استفاده شود. چنانچه مالک از انجام این امور سرباز زند، حاکم شرع ملک او را فروخته و برای حیوان هزینه می‌کند و اگر ملکی نداشته باشد حیوان را به فروش می‌رساند. و اگر حیوان قابل تذکیه نباشد، حاکم شرع مالک را بر انفاق یا فروش حیوان اجبار می‌نماید.<sup>۱</sup> رسیدگی به حیوانات و نجات جان او تا بدان جا در اسلام مورد اهتمام است که غصب و تصرف در اموال دیگران برای نجات جان حیوان تجویز شده است<sup>۲</sup> و نکته جالب این که نجات جان حیوان با نجات جان انسان مقایسه شده است<sup>۳</sup> یعنی همانطور که تصرف در اموال دیگران برای نجات جان انسان جایز است، درباره حیوان نیز همین امر صادق است. البته این حکم منحصر به مواردی است که راه دیگری برای تهیه علوفه برای حیوان وجود نداشته باشد.<sup>۴</sup> برخی از فقیهان در این باره می‌فرمایند:

و کلّ حیوان ذی روح کالبهائم یجب علیه القیام فی نفقة النحل و دود القرّ، ولو لم یجد ما ینفق... علی الحیوان و وجد مع غیره و جب الشراء منه فان امتنع الغیر من البیع کان له قهره واخذة اذا لم یجد غیره کما یجبر علی الطعام لنفسه؛ تهیه آذوقه زنبور عسل و کرم ابریشم بر صاحب حیوان واجب است و اگر مالک حیوان، آذوقه نداشته باشد و تنها نزد شخصی یافت شود که از فروش آن امتناع می‌ورزد، مالک می‌تواند او را اجبار نموده و با غصب، آذوقه حیوان را همانند تهیه غذا برای حفظ جان خود، تهیه کند.<sup>۵</sup>

۱. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۱۱۸؛ طوسی، محمد بن حسن، مبسوط، ج ۶، ص ۴۷. فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام، ج ۷، ص ۶۱۲.  
 ۲. حلی، یحیی بن سعید، الجامع للشرائع، ص ۴۹۱؛ عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، مسالک الافهام، ج ۸، ص ۵۰۳، نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، ج ۳۱، ص ۳۹۶؛ فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام، ج ۷، ص ۶۱۲.  
 ۳. نجفی، محمدحسن، همان، ص ۳۹۶؛ فاضل هندی، محمدبن همان، ص ۲۱۲.  
 ۴. حلی، محمد بن حسن بن یوسف (فخر المحققین)، ایضاح الفوائد، ج ۳، ص ۲۹۰.  
 ۵. همان.

مستند فتاوی فقیهان روایاتی است که در آن ها به تأمین نفقه حیوان توصیه شده است که به برخی از آن ها اشاره می‌کنیم. سکونی از امام صادق (ع) روایت نموده است که امام (ع) فرمود: «حیوانات بر صاحب خود شش حق دارد؛ بیش از طاقت حیوان از او کار نکشد. پشت حیوان را محلی که بر آن بنشیند و با دیگران سخن بگوید، قرار ندهد. هرگاه پیاده شود به فکر تهیه علوفه و خوراک حیوان باشد. او را دشنام ندهد. به صورت حیوان نزند، زیرا او تسبیح خدا را می‌گوید. هرگاه به آب رسیدند آب را بر او عرضه کنند».<sup>۱</sup> این روایت که از لحاظ سند صحیح است دلالتش بر تأمین نفقه و آذوقه حیوانات صریح و روشن است. در روایت دیگری امام صادق (ع) از پدران بزرگوارش نقل نموده است که پیامبر (ص) فرمود:

چهار پایان بر صاحبانش حقوقی دارند؛ هرگاه فرود می‌آید نخست آن را علف دهد، و هرگاه گذرش به آب می‌افتد، آب را بر حیوان عرضه کند، به صورت حیوان نزند برای آن که تسبیح می‌گوید، بر پشت حیوان توقف نکند، مگر آن که در راه خدای عزوجل بوده باشد، بیش از توانش بر آن بار نهد، و در راه رفتن آن را بیش از قدرت و توانایی تکلیف نکند.<sup>۲</sup>

این روایت صحیح همانند روایت سابق دلالتش بر تأمین نفقه حیوانات و رعایت حقوق آن ها صریح و روشن است.

## ۲-۲. تأمین بهداشت حیوانات

یکی از حقوق حیوانات، نظافت محل زندگی و رسیدگی به بهداشت آنان است.

۱. «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا سِتَّةُ حُقُوقٍ لَا يُحْمَلُهَا فَوْقَ طَاقَتِهَا وَلَا يَتَّخِذُ ظَهْرَهَا مَجَالِسَ يَتَّحَدَّثُ عَلَيْهَا وَيَبْدَأُ بِعَلْفِهَا إِذَا نَزَلَ وَلَا يَسْمُهَا وَلَا يَضْرِبُهَا فِي وَجْهِهَا فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ وَيَعْرِضُ عَلَيْهَا الْمَاءَ إِذَا مَرَّ بِهِ». كلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، ص ۵۳۷.

۲. «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ بِإِسْنَادِهِ يَعْنِي عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا خِصَالٌ يَبْدَأُ بِعَلْفِهَا إِذَا نَزَلَ وَيَعْرِضُ عَلَيْهَا الْمَاءَ إِذَا مَرَّ بِهِ وَلَا يَضْرِبُ وَجْهَهَا فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّهَا وَلَا يَقِفُ عَلَى ظَهْرِهَا إِلَّا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يُحْمَلُهَا فَوْقَ طَاقَتِهَا وَلَا يُكَلِّفُهَا مِنَ الْمَشْيِ إِلَّا مَا تُطِيقُ». حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۷۸.

همانطوری که انسان ها فطرتا نظافت را دوست دارد و علاقه دارد که خانه و مسکن خود را تمیز نگه دارد و این برای بهداشت روان و سلامتی جسم او حایز اهمیت است، حیوانات نیز دوست دارند محلّ زندگی آن‌ها تمیز بوده و از هرگونه آلودگی و کثافت به دور باشد، فقهای عظام به تبع روایات، به رعایت بهداشت و سلامت حیوانات و فرزندان شان تصریح نموده است.<sup>۱</sup> در روایتی از امام صادق(ع) نقل شده است که پیامبر اکرم(ص) فرمود:

نَظَّفُوا مَرَابِضَهَا وَ اَمْسَحُوا رُغَامَهَا؛ خوابگاه حیوانات را تنظیف کنید و آب بینی آن ها را تمیز نمایید.<sup>۲</sup>

این روایت که از نظر سند صحیح است دلالتش بر نظافت کردن خوابگاه حیوانات و تمیز نگهداشتن محلّ زندگی آنان، واضح و روشن است. در روایت دیگری پیامبر اکرم(ص) فرمود:

نَظَّفُوا مَرَابِضَ الْعَنَمِ وَ اَمْسَحُوا رُغَامَهُنَّ فَإِنَّهُنَّ مِنْ دَوَابِّ الْجَنَّةِ؛ خوابگاه گوسفندان را تمیز کنید، بینی آن‌ها را پاک کنید، همانا گوسفندان، حیوانی از حیوانات بهشت است.<sup>۳</sup> این روایت دلالتش بر نظافت و پاکیزه نگه داشتن محلّ استراحت حیوانات صریح و روشن است. مالکان حیوانات مسئول است که محلّ زندگی آن‌ها را تمیز و پاکیزه نماید. از جمله کارهایی که صاحب یا صاحبان حیوان در بهداشت آنان باید انجام دهد، درمان بیماری حیوان است. برخی فقیهان می‌نویسد:

وفى حكم النفقة على الحيوان ما يفتقر اليه من الدواء لمرض؛ در حکم نفقه حیوان است، دارویی که بر اثر بیماری بدان نیازمند است.<sup>۴</sup> هم چنین در منابع فقهی

۱. عاملی، زین الدین بن علی(شهیدثانی)، الروضة البهية، ج ۴، ص ۲۴۵؛ بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة، ج ۲۱، ص ۴۱۷؛ نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، ج ۲۷، ص ۱۰۹.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، ص ۵۴۴، حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۰۸.

۳. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۱۳.

۴. عاملی، زین الدین بن علی(شهیدثانی)، مسالك الافهام، ج ۵، ص ۸۸.



تصریح شده، دادن خمر یا سایر مسکرات به حیوان مکروه است<sup>۱</sup> و علت این حکم را مضر بودن شراب برای حیوان دانسته اند.<sup>۲</sup>

### ۲-۳. تأمین مسکن حیوانات

از جمله نیازهای اولیه حیوان، مکان استراحت و آرامش آن ها است. بر مالک واجب است مکانی شایسته و مناسب برای حیوان تهیه کند. از نگاه فقیهان تهیه مسکن و هرچیزی که حیوان را از سرما و گرما حفظ کند واجب است و جزو نفقه حیوان شمرده شده است.<sup>۳</sup> برخی از فقیهان در این باره می نویسند:

وإنما الواجب القيام بما تحتاج إليه من أكل و سقى و مكان و جل و نحو ذلك مما يختلف باختلاف الأزمنة و الأمكنة؛ بر صاحب حیوان واجب است نیازهای حیوان را از قبیل خوراک و آشامیدنی و مکان و پالان که در زمان ها و مکان های مختلف تغییر می کند، فراهم نماید.<sup>۴</sup>

نکته مهم و جالب توجه در عبارت فوق، لزوم تهیه مکان مناسب برای حیوانات برابر با عرف آن زمان و مکان است. محل نگهداری حیوان بر اساس زمان و مکان های مختلف متفاوت است. بنابراین، در مناطق گرمسیر و سردسیر، و در فصل تابستان و زمستان، باید محل نگهداری مناسبی برای حیوان تدارک دیده شود. همچنین اگر امروزه به طور معمول مکان نگهداری حیوانات از امکانات خاصی برخوردار است و از نظر ساختمانی و بهداشتی، سطح خاصی در آن رعایت می گردد، بر مالک حیوان واجب است آن مکان و امکانات را برای حیوان فراهم کند. مالک حیوان نمی تواند به بهانه این که او مالک است، به دلخواه خود با حیوان رفتار نماید و آن را در طویله های قدیمی و به دور از بهداشت نگهداری کند. همانگونه که انسان مسئولیت دارد که از حیوانات

<sup>۱</sup>. طوسی، محمد بن حسن، النهایه، ص ۵۹۲؛ حلی، محمد بن منصور بن احمد (ابن ادریس)، السرائر، ج ۳، ص ۱۳۲، حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی)، شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۷۵، حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)، قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۳۳.

<sup>۲</sup>. اردبیلی، احمد (مقدس اردبیلی)، مجمع الفائدة و البرهان، ج ۱۱، ص ۲۸۳.

<sup>۳</sup>. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، الروضة البهیة، ج ۲، ص ۳۰۱.

<sup>۴</sup>. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۹۵.

نگهداری کند و مسکن مناسب تهیه کند، مسئولیت دارد که مسکن طبیعی حیوانات را نیز محترم شمارد. و محیط زیست حیوانات را ویران یا آلوده نسازد. از جمله رفتار های ناپسند، تخلیه فضولات انسانی در محیط زیست حیوانات است. پیامبر گرامی اسلام (ص) مسلمانان را از ادرار کردن در حفره ای که حیوانات در آن زندگی می‌کنند بر حذر داشته است.<sup>۱</sup> فقیهان نیز در پی آن، چنین عملی را ناپسند و مکروه دانسته اند.<sup>۲</sup> دلیل این حکم می‌تواند دو چیز باشد؛ از یک سو، این عمل سلامت حیوانات را به خطر می‌اندازد و از سوی دیگر سلامت انسان از جانب برخی حیوانات در معرض خطر و آسیب قرار می‌گیرد.<sup>۳</sup> هرچند عنوان «جُحر» در سخن پیامبر اکرم (ص) و «ثقب» در کلمات فقیهان ناظر به لانه حیواناتی است که در داخل زمین یا در شکاف کوه ها زندگی می‌کنند، اما به نظر می‌رسد ناپسندی این عمل تنها به گروهی از حیوانات اختصاص نداشته بلکه شامل همه حیوانات می‌شود. شاهد بر این ادعا، روایاتی است<sup>۴</sup> که امامان معصوم (ع) انسان ها را از ادرار کردن در آب جاری و راکد منع کرده و در مقام توضیح این حکم، بر این مطلب اشاره می‌کنند که در درون آب موجوداتی هستند که این کار باعث آزردهی آن ها می‌شود، هرچند ممکن است برای خود انسان نیز ضرر هایی به دنبال داشته باشد.

۱. فاضل هندی، متقی، کنز العمال، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۳۶۴.

۲. حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی)، شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۵؛ عاملی، زین الدین بن علی (شهیدثانی)، مسالك الافهام، ج ۱، ص ۳۳؛ اردبیلی، احمد (مقدس اردبیلی)، مجمع الفائدة و البرهان، ج ۱۰، ص ۹۴، نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، ج ۲، ص ۶۷.

۳. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)، نهاية الاحکام، ج ۱، ص ۸۳ حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)، منتهی المطلب، ج ۱، ص ۴۱، عاملی، محمد بن علی، مدارک الاحکام، چاپ اول، ج ۱، ص ۱۷۹.

۴. وَقَالَ النَّبِيُّ (ص) لَا يَبُولَنَّ أَحَدُكُمْ فِي الْمَاءِ الدَّائِمِ (مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۷۱). قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): لَا يَبُولَنَّ الرَّجُلُ مِنْ سَطْحِ فِي الْهَوَاءِ وَلَا يَبُولَنَّ فِي مَاءٍ جَارٍ فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَاصَابَهُ شَيْءٌ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ فَإِنَّ لِلْمَاءِ أَهْلًا وَلِلْهَوَاءِ أَهْلًا. (وسائل الشيعه، ج ۱، ص ۳۵۳). عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: ... وَلَا تَبُلْ فِي مَاءٍ نَتِيعٍ فَإِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَاصَابَهُ شَيْءٌ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ (علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۸۳).

## ۲-۴. بهره‌وری و توان حیوانات

در منابع فقهی در بهره‌برداری و استفاده از حیوان، احکامی مطابق با عدالت و به دور از افراط و تفریط وضع شده است و با رعایت حق تقدّم حیات بشری و قوام نظام اجتماعی، استفاده از حیوان را جایز می‌داند. خداوند می‌فرماید:

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَ مِنْهَا تَأْكُلُونَ؛ خداوند کسی است که چهارپایان را برای شما آفرید تا بعضی را سوار شوید و از بعضی تغذیه کنید.<sup>۱</sup>  
و در سوره نحل می‌فرماید:

وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ؛ و چهارپایان را آفرید؛ در حالی که در آن‌ها، برای شما وسیله پوشش، و منافع دیگری است؛ و از گوشت آن‌ها می‌خورید!<sup>۲</sup>

با توجه به آیات فوق، اسلام بهره‌برداری صحیح و متعادل از حیوانات را جایز دانسته و رعایت حقوق حیوانات را در بهره‌برداری لازم می‌داند. اسلام در استفاده از حیوانات رعایت عدالت را توصیه می‌کند و ظلم و ستم بر حیوانات را ناپسند و نفرت‌انگیز می‌داند. برخی از فقیهان می‌نویسد:

و لا یكلفها ما لا تطیقه من تثقیل الحمل و إدامة السفر، و لذا نهی عن ارتداف ثلاثة علیها، بل و كذا الشاق علیها المنافی للعادة؛ حیوان را به بیش از آن چه توان دارد، مانند بردن بار سنگین و ادامه سفر، وادار نمی‌کنند و بدین جهت از سوار شدن سه نفر بر او و خواستن کاری که بر آن سخت دشوار است و با عرف و عادت ناسازگار باشد، بازداشته شده است.<sup>۳</sup>

از نگاه فقیهان اجاره دادن حیوان در منافی که باعث ضرر و زیان بر حیوان گردد و بیش از توان حیوان باشد، جایز نیست.<sup>۴</sup> در استفاده از منافع حیوان باید سلامتی حیوان

<sup>۱</sup>. غافر: ۷۹.

<sup>۲</sup>. نحل: ۵.

<sup>۳</sup>. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۹۷.

<sup>۴</sup>. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)، تذکرة الفقهاء، ج ۲، ص ۳۰۷، عاملی، سیدجواد، مفتاح الکرامة، ج ۷، ص ۲۱۹-۲۲۰.

در نظر گرفته شود، زیرا سلامتی حیوان بر بهره برداری انسان ها مقدم است و مالک حیوان تاجای حق استفاده دارد که سلامتی حیوان به خطر نیفتد.<sup>۱</sup> برخی از فقیهان در این باره چنین گفته اند:

و لو كان أخذ اللبن مضرا بالدابة نفسها لقله العلف لم يجز له أخذه وإن لم يضر ولدها بل يسقيها إياه، نعم يكره له أو يحرم ترك الحلب مع عدم الإضرار بها و بولدها، لما فيه من تضييع المال، و لكن لا يستقصى في الحلب بل يبقى في الضرع شيء لأنها تتأذى بذلك»<sup>۲</sup>. اگر دوشیدن شیر به علت کمبود علوفه برای خود حیوان ضرر داشته باشد، دوشیدن آن جایز نیست. گرچه برای فرزند آن ضرر نداشته باشد و به اندازه نیاز او شیر موجود باشد. چنانچه برای حیوان و بچه آن ضرری نداشته باشد، دوشیدن آن مکروه یا حرام است؛ زیرا تضييع مال به حساب می آید. البته همه شیر را ندوشد و مقداری در پستان باقی گذارد؛ زیرا دوشیدن تمام شیر سبب اذیت حیوان می شود.

مستند فتاوی فقیهان در باره رعایت عدالت در مورد حیوان و در نظر گرفتن توان آن ها، روایاتی است که در این زمینه نقل شده است که به برخی از آن ها اشاره می کنیم. در روایتی امام صادق (ع) از پدران بزرگوارش نقل نموده است که پیامبر (ص) فرمود:

چهار پایان بر صاحبانش حقوقی دارند؛ هرگاه فرود می آید نخست آن را علف دهد، و هرگاه گذرش به آب می افتد، آب را بر حیوان عرضه کند، به صورت حیوان نزند برای آن که تسبیح می گوید، بر پشت حیوان توقف نکند، مگر آن که در راه خدای عزوجل بوده باشد، بیش از توانش بر آن بار ننهد، و در راه رفتن آن را بیش از قدرت و توانایی تکلیف نکند.<sup>۳</sup>

این روایت که سند آن صحیح است دلالتش بر رعایت عدالت در مورد حیوان و در

۱. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۱۱۸؛ عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی) الروضة البهیة، ج ۵، ص ۴۸۶.

۲. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۹۷.

۳. «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ بِإِسْنَادِهِ يَعْنِي عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِلدَّائِبَةِ عَلَى صَاحِبِهَا خِصَالٌ يَبْدَأُ بِعَلْفِهَا إِذَا نَزَلَ وَ يُعْرَضُ عَلَيْهَا الْمَاءُ إِذَا مَرَّ بِهِ وَ لَا يَضْرِبُ وَجْهَهَا فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّهَا وَ لَا يَقْفُ عَلَى ظَهْرِهَا إِلَّا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يُحْمَلُهَا فَوْقَ طَاقَتِهَا وَ لَا يُكَلِّفُهَا مِنَ الْمَشْيِ إِلَّا مَا تَطِيقُ». حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۷۸.

نظر گرفتن توان آنان در استفاده و بهره برداری، صریح و روشن است. در حدیثی پیامبر اکرم (ص) فرمود:

أَخْرُوا الْأَحْمَالَ فَإِنَّ الْيَدَيْنِ مُعَلَّقَةٌ وَالرَّجْلَيْنِ مُوْتَقَةٌ؛ بار حیوانات را قسمت آخر پشت آن ها بگذارید، زیرا دستان آن ها رهاست و پاهاشان محکم و استوار است.<sup>۱</sup> این روایت نیز دلالتش بر وجوب اجرای عدالت در باره حیوانات صریح و روشن است. در روایت دیگری آمده است که پیامبر اکرم (ص) شتری را دید که به جای بسته شده در حالی که جهاز و بار آن شتر بر پشتش قرار داشت، پیامبر (ص) فرمودند: صاحب این شتر کجاست؟ به او بگوئید تا خود را برای بازخواست آماده کند.<sup>۲</sup> شیخ صدوق در توضیح این حدیث می گوید: یعنی برای بازخواست در روز قیامت آماده نماید، زیرا بستن شتر در حالی که باری بر پشتش قرار دارد ظلم بر حیوان است، پس زمانی که روز قیامت فرا رسید حیوان در مقام شکایت از صاحبش به درگاه الهی عرضه می دارد: گناهم چه بود که به من ظلم نمودی، پس خدای سبحان دادم را از تو بستاند.<sup>۳</sup> این روایت که سند آن صحیح و معتبر است دلالت روشنی بر وجوب اجرای عدالت در باره حیوانات دارد. بعید نیست که از ده ها آیه ی مربوط به عدالت و صد ها حدیث نقل شده در باره وجوب اجرای عدالت و سیره و عمل رسول خدا (ص) و نیز صد ها آیه ی که بر حرمت مؤکد ظلم دلالت می کند نیز وجوب اجرای عدالت و عدم ظلم بر حیوانات را اثبات کنیم.

#### ۴. حفاظت از گونه های حیوانی

در دایره تنوع زیستی در جهان، حیوانات بخش عظیمی از آن را به خود اختصاص داده اند. در کشور ایران تا کنون ۱۶۴ گونه خزنده شناسایی شده که تعداد ۲۶ گونه آن، بومی یا انحصاری کشور ایران است و از این تعداد شش گونه آن در سطح جهان در معرض انقراض معرفی شده اند. تعداد گونه های پستاندار وحشی در ایران ۱۶۰ گونه

<sup>۱</sup>. همان.

<sup>۲</sup>. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۹۲.

<sup>۳</sup>. همان.

است که این تعداد، معادل کل گونه های پستاندار قاره اروپاست. از نظر دیگر رده های جانوری، پرندگان با ۵۰۲ گونه، ماهیان آب های شیرین با ۲۶۹ گونه و بالاخره دوزیستان با ۱۱ گونه که تقریباً نیمی از آن ها بومی کشور ایران تشخیص داده شده اند، غنای زیستی کشور ایران را نمایان می کنند.<sup>۱</sup> متأسفانه جامعه انسانی، هر ساله سه هزار گونه گیاهی و جانوری را از دست می دهد و نیمی از موجودات زنده تا پایان این قرن نابود خواهند شد. افزون بر این، ۵۴۵۳ گونه جانوری در معرض خطر قرار دارند. از این میان، ۱۸۱ گونه از پستانداران، ۱۸۲ گونه از پرندگان، ۵۵ گونه از خزندگان، ۳۰ گونه از دوزیستان، ۲۵۷ گونه از ماهیان، ۴۶ گونه از حشرات و ۲۲۲ گونه از نرم تنان شرایط بسیار بحرانی دارند و به شدت در معرض انقراض هستند.<sup>۲</sup> از میان رقم تخمینی ۵۰۰ میلیون گونه گیاهی و جانوری که از آغاز پیدایش زندگی روی کره زمین زیست کرده اند، تنها حدود دو میلیون گونه امروز باقی مانده اند. این بدان معناست که ۵/۹۹ در صد از کل گونه ها منقرض شده اند.<sup>۳</sup> با توجه به بحران های یاد شده، به منظور حفاظت از گونه های حیوانی مورد تهدید، نخستین «قانون حمایت از حیوانات» در سال ۱۸۲۲ م. در پارلمان انگلستان تصویب شد. این قانون در سال ۱۹۱۱ م. تکمیل گردید. بر اساس این قانون، موارد زیر در برخورد با حیوانات ممنوع است:

۱. حمل و نقل و راندن، به طوری که مایه رنج و ناراحتی حیوان شود؛<sup>۲</sup> ایجاد جنگ و درگیری میان حیوانات؛<sup>۳</sup> کشتن حیوانات با مواد سمی؛<sup>۴</sup> استفاده از سگ برای بارکشی؛<sup>۵</sup> شکار در محیط بسته؛<sup>۶</sup> بریدن دم اسب، مگر با اجازه دام پزشک؛<sup>۷</sup> شکار گوزن در شب؛<sup>۸</sup> حیوان را بی جهت نمی توان طرد کرد و طرد کننده مجرم شناخته می شود؛<sup>۹</sup> باید بیماری حیوانات ریشه کن شود؛<sup>۱۰</sup> در کشتارگاه باید حیوان را بی هوش و سپس ذبح کنند.

به پیروی از انگلستان، در کشور های دیگر اروپایی نیز گروه های طرفدار تنوع زیستی، فعالیت های خود را آغاز کردند و با تصویب قوانین و برگزاری همایش ها و

<sup>۱</sup> هفته نامه برنامه، شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۳، ش ۶۵، ص ۶.

<sup>۲</sup> بهاره صفوی، تنها یک زمین برای همه، جام جم، دوشنبه ۴ خرداد ۱۳۸۳، سال پنجم، شماره ۱۱۵۱۲.

<sup>۳</sup> جی. تی. میلر، زیستن در محیط زیست، ترجمه: مجید مخدوم، ص ۳۳۸.

سخنرانی‌ها و کار رسانه‌ای، نسبت به از دست رفتن ذخایر تنوع زیستی حیوانی هشدار دادند. اگرچه انجمن‌های حامی حقوق حیوانات با انگیزه و رعایت مسائل اخلاقی و انسانی و حفظ تنوع زیستی و عواملی از این دست به فعالیت در این زمینه اشتغال دارند، ولی اسلام ۱۲۰۰ سال پیش‌تر از اروپایی‌ها جایگاه ارجمند طبیعت و محیط زیست و عناصر آن از قبیل آب و خاک و گیاه و حیوان را مورد توجه و حمایت جدی قرار داده بود. گوستاولوبون در این زمینه می‌نویسد: در بلاد اسلامی، جمعیت حمایت از حیوانات لازم نیست و این قطعه از دنیا را می‌توان بهشت حیوانات دانست. مسلمین حقوق سگ، گربه و طیور را رعایت می‌کنند. مخصوصاً در مساجد و معابر، طیور با کمال آزادی پرواز می‌کنند و در مناره‌ها لانه دارند. مسلمین در این باره به گونه‌ای هستند که ما اروپاییان باید خیلی چیزها را از آنان بیاموزیم.<sup>۱</sup>

از احادیثی که از معصومان(ع) در باره حیوانات به ما رسیده به روشنی می‌توان نوع طبقه‌بندی و اولویت‌گذاری در برخورد انسان با جانوران را استفاده کرد. نخستین اولویت به نوع حیوان و اهمیت و فوائد آن در حیات روزمره اجتماعی و اقتصادی و رفاهی انسان‌ها باز می‌گردد. از این لحاظ، حیوانات و پرندگان چون شتر، اسب، گوسفند، گاو، بز شیرده، کبوتر، حتی پرستو و غاز، در مقایسه با دیگر حیوانات در اولویت قرار دارند. تأمل در گونه‌های مختلف جانوران و پرندگان که مورد اهتمام بیشتر و محافظت اکید قرار گرفته است نشان می‌دهد که آن‌ها عمدتاً گونه‌های آسیب‌پذیر به شمار رفته و احکام مزبور برای جلوگیری از انقراض نسل آن‌ها صادر شده است. و این امر، ارزش نهادن و اهتمام معصومان(ع) در برابر مسائل زیست‌محیطی را نشان می‌دهد. در روایات متعددی از کشتن پرستو نهی شده است.<sup>۲</sup> در حدیثی از امام صادق(ع) روایت شده است که پیامبر اکرم(ص) دستور منع کشتن برخی جانوران را صادر کرده و از جمله آن‌ها پرستو است.<sup>۳</sup> فقیهان به تبع روایات فوق کشتن و ذبح کردن

<sup>۱</sup>. لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید هاشم حسینی، ص ۴۴۶.

<sup>۲</sup>. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، ص ۲۲۳. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۳، ص ۳۹۲-۳۹۳.

<sup>۳</sup>. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، ص ۲۲۳. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۳، ص ۳۹۲.

پرستو و استفاده از گوشت آن را ناپسند و مکروه دانسته اند.<sup>۱</sup> حتی برخی از فقهیان استفاده از گوشت آن را حرام می‌دانند.<sup>۲</sup> در روایات گوناگون، از کشتن زنبور عسل نهی شده است، زیرا این حیوان با تولید کردن عسل مصفی از خود، بسیاری از درد ها و بیماری را مداوا می‌کند.<sup>۳</sup> درباره قناری حدیثی از امام رضا(ع) وارد شده است که اهمیت آن را می‌رساند و به گونه غیر مستقیم قتل آن را ممنوع می‌کند:

لَا تَأْكُلُوا الْقُنْبُرَةَ وَلَا تَسُوها وَلَا تَعْطُوها الصَّبِيانَ يَلْعَبُونَ بِها فَإِنَّها كَثِيرَةُ التَّسْبِيحِ لِلَّهِ تَعَالَى وَتَسْبِيحُها لَعْنُ اللَّهِ مُبَغِضِي آلِ مُحَمَّدٍ (ع)؛ قناری را نخورید و آن را فحش و ناسزا نگویند و به دست کودکان برای بازی نسپارید، زیرا قناری بیشترین تسبیح را برای خداوند دارد و تسبیح آن این است: لعنت خدا بر کینه جویان آل محمد (ع).<sup>۴</sup>

در فقه شیعه با استناد به روایت فوق از کشتن و ذبح کردن قناری و استفاده از گوشت آن نهی شده است.<sup>۵</sup> در باره حفظ و نگهداری کبوتر روایاتی زیادی از امامان معصوم(ع) به چشم می‌خورد. امام صادق(ع) حتی سیره انبیا را بر نگه داری کبوتر می‌داند و ارزش فراوانی برای آن می‌شمارد.<sup>۶</sup> امام باقر(ع) نقل می‌کند: پیامبر اکرم(ص) از مصرف

۱. حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی)، شرائع الاسلام، ج ۳، ص ۱۷۳، حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)، تحریر الاحکام الشرعیه، ج ۴، ص ۶۳۵، حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۳۲۷، عاملی، زین الدین بن علی (شهیدثانی)، مسالک الافهام، ج ۲۱، ص ۴۳، نجفی، محمد بن حسن، جواهرالکلام، ج ۳۶، ص ۳۱۰.

۲. طوسی، محمد بن حسن، النهایه، ص ۵۷۷، حلی، محمد بن منصور (ابن ادریس)، السرائر، ج ۳، ص ۱۰۴؛ ابن براج، عبدالعزیز، المهدب، ج ۲، ص ۴۲۹.

۳. عَنِ النَّبِيِّ (ص) أَنَّهُ قَالَ: لَا تَقْتُلُوا الْهُدْهُدَ لِرِسَالَةِ سُلَيْمَانَ وَلَا الضَّفْدِعَ لِأَنَّهُ كَانَ يُطْفِئُ نَارَ إِبْرَاهِيمَ وَلَا النَّمْلَ لِأَنَّهُ كَانَ مُنْذِرًا مِنَ النَّمْلِ وَلَا النَّحْلَ لِأَنَّهُ فِيهِ الشِّفَاءُ وَلَا الصُّرْدَ لِأَنَّهُ كَانَ دَلِيلًا عَلَى بِنَاءِ الْكُعْبَةِ. (مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۱۲۱).

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، ص ۲۲۵؛ حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۳، ص ۳۹۶.

۵. حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی)، شرائع الاسلام، ج ۳، ص ۱۷۳، حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)، تحریر الاحکام الشرعیه، ج ۴، ص ۶۳۵، حلی، علامه، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۳۲۷، عاملی، زین الدین بن علی (شهیدثانی)، مسالک الافهام، ج ۲۱، ص ۴۳، نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، ج ۳۶، ص ۳۱۰.

۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، ص ۵۴۷، حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۲۱.



گوشت انواع الاغ نهی کرده است.<sup>۱</sup> امام رضا(ع) می‌فرماید: «خوردن قاطر و الاغ مکروه است».<sup>۲</sup> در این دور روایت، به فلسفه حکم نیز اشاره شده است، در ادامه حدیث نخست آمده که نهی از ذبح حیوانات مزبور به سبب باربری آن‌هاست تا از این راه به انقراض شان نیانجامد:

وَإِنَّمَا نَهَاكُم مِّنْ أَجْلِ ظُهُورِهِمْ أَنْ يَفْنَوْهَا.

این نهی از مصرف گوشت آن دو گونه حیوان به دلیل بار کشی آن‌ها و ضرورت استفاده از آن‌ها برای جامعه آن روز انسانی بوده است و اگر مصرف گوشت آن‌ها مجاز شمرده می‌شد، این ترس وجود داشت که نسل آن دو منقرض شود. در روایت دوم تصریح شده است که کراهت مصرف گوشت قاطر و الاغ به دلیل نیاز مردم به بارکشی و سواری آن‌ها و به کاربردن آن‌ها در این جهت است و این ترس وجود دارد که در صورت جواز مصرف گوشت آن‌ها نسل آن دو نابود شود، چون تعداد آن‌ها زیاد نیست. نه آن‌ها که آفرینش آن‌ها دارای بدی و زشتی باشد یا تغذیه آن‌ها ایراد داشته باشد.<sup>۳</sup> در روایتی آمده است که پیامبر اسلام(ص) در روز خیبر از مصرف گوشت حمار و قاطر نهی و تحریم نمود، دلیل آن، استفاده قاطر و الاغ برای بارکشی و از بین رفتن نسل آن‌ها بیان شده است.<sup>۴</sup> مرحوم سید مرتضی می‌افزاید: فلسفه مزبور در مورد مصرف گوشت اسب نیز صادق است، زیرا با تجویز مصرف آن، نسل این گونه جانوری در معرض انقراض قرار می‌گیرد و محیط زیست با خطرهای غیر قابل جبران رو به رو می‌شود.<sup>۵</sup>

در اصل چهل و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و

<sup>۱</sup>. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۱۷۴.

<sup>۲</sup>. همان.

<sup>۳</sup>. علم الهدی، سید شریف مرتضی، الانتصار، ص ۴۱۰-۴۱۱.

<sup>۴</sup>. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۱۷۴.

<sup>۵</sup>. علم الهدی، سید شریف مرتضی، الانتصار، ص ۴۱۱-۴۱۲.

اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.<sup>۱</sup>

این اصل وظیفه دولت اسلامی در برابر محیط زیست را مشخص می‌کند. حاکم اسلامی باید به طور متعارف تعهدات خود را در قبال محیط زیست و حیوانات به عمل آورد.<sup>۲</sup> در اصل ۵۰ قانون مزبور آمده است: «در جمهوری اسلامی حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است». روشن است که منظور از محیط زیست مفهوم وسیع آن است و فضای زندگی انسان، حیوان و گیاهان را به طور عموم در بر می‌گیرد و هوا، دریا، کوه و دشت را شامل می‌شود. شهر و روستا، دریا و صحرا، جنگل و مراتع همه محیط زیست و زندگی هستند که باید حفاظت و مراقبت شوند. و از تخریب و آلودگی آن‌ها جلوگیری شود. این مراقبت وظیفه عمومی است و هرکس باید از آلوده کردن آب، هوا و تخریب مراتع و جنگل‌ها و افساد زندگی گیاهان و حیوانات خودداری کند.<sup>۳</sup> ماده ۶۷۹ قانون مجازات ایران در راستای حفاظت از حیوانات و حمایت از گونه‌های جانوری مقرر می‌دارد:

هر کس به عمد و بدون ضرورت حیوان حلال گوشت متعلق به دیگری یا حیواناتی که شکار آن‌ها توسط دولت ممنوع اعلام شده است را بکشد یا مسموم یا تلف و ناقص کند به حبس از نود و یک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد.

. در ماده ۶۸۰ قانون مزبور آمده است:

هرکس بر خلاف مقررات و بدون مجوز قانونی اقدام به شکار یا صید حیوانات و جانوران وحشی حفاظت شده نماید به حبس از سه ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از

<sup>۱</sup>. مجموعه قوانین اساسی - مدنی، تدوین: غلامرضا حجتی اشرفی، ص ۲۴.

<sup>۲</sup>. حسینی، عباس، حقوق حیوانات در ایران و اسناد بین الملل، ص ۵۴.

<sup>۳</sup>. یزدی، محمد، قانون اساسی برای همه، ص ۳۸۹.

یک و نیم میلیون ریال تا هیجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.  
 . در ماده ۶ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶ ایران وظایف سازمان  
 شکاربانی و نظارت بر صید را چنین مقرر می‌دارد:

حفظ و نگهداری شکارگاه‌ها و فضای حیاتی جانوران وحشی و حمایت آن‌ها در  
 برابر گرسنگی و تشنگی و صید و شکار بی رویه و عوامل و حوادث نا مساعد جوی و  
 طبیعی مانند حریق جنگل و مراتع و سیل و طغیان رودخانه‌ها و بیماری‌های واگیر و  
 مسمومیت نباتی و امثال آن. فراهم آوردن موجبات و محیط مساعد جهت تکثیر و  
 پرورش جانوران وحشی.<sup>۱</sup>

بر طبق ماده ۱ قانون اصلاح قانون شکار و صید مصوب ۱۳۵۳/۱۰/۳۰ سازمان  
 حفاظت محیط زیست ایران مسئول حفظ و حمایت و تکثیر جانوران وحشی می‌باشد.  
 بنابراین در قانون صید و شکار، حفاظت از حیوانات از وظایف دولت و زیر مجموعه آن  
 دانسته شده است.

### گفتار دوم: ارکان مسئولیت مدنی حفاظت از حیوانات

برای این که مسئولیت مدنی به وجود آید و قابل طرح در دادگاه‌ها را داشته باشد  
 وجود سه عنصر ضروری و الزامی است: ۱. ضرر ۲. فعل زیان بار ۳. رابطه سببیت. این  
 عناصر در هر یک از مبانی «تقصیر»، «ایجاد خطر»، «تضمین حق» باید موجود باشد.  
 در مبنای تقصیر، تکیه بر مجازات مدنی مقصر و تحلیل کار خطا و انتساب به آن به اراده  
 اوست؛ در حالی که بر مبنای نظریه خطر، تکیه بر فعل زیانبار به طور نوعی است نه  
 شخصی، ولی در مسئولیت مدنی بر پایه تضمین حق، اعتبار حق در برابر آزادی فعالیت  
 نشان داده شده است و اهمیت حق تضمین شده است.

#### ۱. ضرر

اولین عنصر مسئولیت مدنی ضرر است یعنی تازمانی که ضرر در میان نباشد امکان  
 تصور مسئولیت مدنی نیست. باید ضرر و زیانی به بار آید تا برای جبران آن مسئولیت

۱. ماده ۶ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶ ایران.

ایجاد شود و دینی بر عهده مسئول قرار گیرد. دعوی مسئولیت هیچ گاه نمی تواند وسیله سودجویی قرار گیرد. بنابراین باید وجود ضرر را رکن اصلی مسئولیت مدنی شمرد. در ماده ی یک قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹ نیز وجود ضرر را لازم دانسته است: «هرکس بدون مجوز قانونی عمدا یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد». در ماده دو قانون مسئولیت مدنی آمده است: «در موردی که عمل وارد کننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی دیگری شود، دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارت مزبور محکوم می نماید». بنابراین، برای ضمان و مسئولیت مدنی، وارد آمدن ضرر یعنی وجود «ضرر» شرط قطعی و حتمی است، چنانچه از عمل کسی ضرری به دیگری وارد نیامده باشد، طبیعی است که بحث از «جبران ضرر»، «ضمان» و «مسئولیت مدنی» بی جاست. در حقوق بین الملل در مورد خسارت های زیست محیطی آمده است: «خسارات زیست محیطی آن چنان تغییری است که تأثیر مضر قابل سنجش و قابل ارزیابی بر کیفیت محیط زیست یا بر عناصر آن می گذارد، خواه این عناصر دارای ارزش تجاری باشند و خواه نباشند. از سوی دیگر، خسارات زیست محیطی تغییراتی را نیز شامل می شود که بر توانایی آن محیط در جهت تداوم کیفیت قابل قبول و حمایت از حیات و تعادل زیست محیطی پایدار اثرات سوء می گذارد».<sup>۱</sup> در کنوانسیون راجع به «تنظیم فعالیت های مربوط به بهره برداری از معادن طبیعی در قطب جنوب» خسارات زیست محیطی را هر گونه صدمه بر عناصر زنده و غیر زنده محیط زیست، شامل صدمه به اتمسفر، حیات موجود در دریا و خشکی، بیش از سطحی که قابل اغماض باشد، تعریف می کند.<sup>۲</sup>

۱. موسوی، فضل الله؛ قیاسیان، فهیمه، جبران خسارات زیست محیطی در حقوق بین الملل، مقاله، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۹۰ش ۱، ص ۳۳۳.

۲. علم خانی، اعظم، مسئولیت مدنی دولت در قبال آلودگی های زیست محیطی، ص ۶۴.

## ۲. ارتکاب فعل زیانبار

دومین رکن تحقق مسئولیت مدنی، سرزدن فعل زیانبار یا نامشروع از عامل زیان است. لازمه مسئولیت در ضمان قهری، سرزدن عملی است که موجب زیان شود. ممکن است در مواردی شخص استیلا بر مال غیر نداشته باشد، ولی با انجام فعل یا ترک فعل موجب زیان به دیگری گردد؛ پس توجه به این نکته مهم است که آیا ترک فعل هم می‌تواند فعل زیانبار تلقی گردد یا خیر؟ این موضوع را با عنوان وضعیت ترک فعل مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

### ترک فعل در مسئولیت مدنی

عناوین ناظر بر عنصر فعل زیانبار در ادله مسئولیت مدنی عبارت «اتلاف» در قاعده اتلاف و عبارت «یضرّ» در قاعده تسبیب است. این عبارت بیشتر بر فعل وجودی اشاره دارد. پرسشی که مطرح است این‌که آیا مواردی را می‌توان یافت که ترک فعل هم موجب اتلاف و یا ضرر شود یا همیشه با جنبه وجودی افعال سروکار داریم؟ اتلاف بر دو نوع است مستقیم و غیر مستقیم. در اتلاف مستقیم، فعل مثبت وجود دارد اما در اتلاف غیر مستقیم بحث ترک فعل مطرح می‌شود که صورت‌های مختلفی دارد و لازم است بررسی شود.

### ۱. ترک فعل ضمن یک فعل

گاهی شخص در حال انجام کاری است که در اثنای آن، فعل دیگری را انجام نمی‌دهد و همین ترک فعل موجب خسارت می‌شود. مثلاً شخص در حین رانندگی است و در هنگام خطر باید ترمز بگیرد، ولی نمی‌گیرد و خساراتی به دیگران وارد می‌کند که در این صورت مسئولیت مدنی متوجه اوست؛ چون توان ترمز گرفتن داشته است. در این جا مسئولیت مستند به همان فعل مثبت است و از بحث ترک فعل خارج است.

### ۲. ترک فعل مسبوق به مسئولیت در حفاظت از اشیا و حیوانات

گاهی شخص مسئولیت محافظت از چیزی یا حیوانی را به عهده دارد، به گونه ای که

اگر این محافظت را انجام ندهد زمینه ورود خسارت به آن فراهم می‌شود. در این صورت با ترک وظیفه محافظت و ورود خسارت، مسئولیت مدنی محقق خواهد شد. در روایات و متون فقهی به مواردی از این دست اشاره شده است محقق حلی می‌نویسد:

بر شخص واجب است حیوانات سرکش خود را... محافظت کند و اگر در محافظت اهمال و کوتاهی ورزید، مسئول خسارات آن‌ها است.<sup>۱</sup> این فتوا مستند به روایاتی با همین مضمون است.<sup>۲</sup> گرچه موضوع یاد شده در متون فقهی و روایات در مورد حیوان مطرح شده، در واقع این ضمان، اختصاص به حیوان ندارد و شامل اشیای در اختیار انسان هم می‌گردد. به همین خاطر بعضی از فقها با ارائه حکم کلی، موارد مذکور در روایات را نمونه و مثال دانسته‌اند.<sup>۳</sup> بنابراین شخصی که مسئولیت محافظت از چیزی را به عهده داشته و با ترک مسئولیت باعث ورود خسارت شده، ضامن خواهد بود.

### ۳. ترک فعل مسبوق به مسئولیت در محافظت از اشخاص

صورت دیگری از ترک فعل که موجب مسئولیت مدنی می‌گردد جای است که میان ترک محافظت و وقوع ضرر، فعل شخص دیگری واسطه شده است با این حال مسئولیت به عهده ترک کننده فعل است. مانند مسئولیت مربی شنا که بر اثر ندادن تعلیم درست، موجب غرق شدن شناگر شود، مربی مسئول خواهد بود.<sup>۴</sup> در این موقع بین ترک محافظت و وقوع ضرر، فعل شخص دیگری واسطه می‌شود و مسئولیت متوجه ترک کننده فعل خواهد بود.

۱. «تجب حفظ دابته الصائلة... بل لو أهمل ضمن جنایتها بلا خلاف و لا إشکال». نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۴۳، ص ۱۲۹.

۲. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۹، ص ۲۵۱-۲۵۰، ح ۱ و ۲.

۳. «یجب حفظ کل ما یکون ترکه مضرا للغير و کان الحفظ تحت اختیاره کالدابة الصائلة و البعیر المغتلم و الفرس العضوض و الکلب العقور فلو أهمل حفظها ضمن جنایتها، و لو جهل حالها أو علم و لم یقدر علی حفظها و لم یفرط فلا ضمان». سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الاحکام، ج ۲۹، ص ۱۴۰-۱۴۱.

۴. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۴۳، ص ۱۰۶.

#### ۴. ترک فعل، تنها علت خسارت

بنابر متون فقهی اگر فردی آسیب ببیند و تنها پزشک حاضر در صحنه، از مداوا اجتناب کند و یا فردی دارد از گرسنگی می‌میرد و فرد دیگر غذا دارد و به او غذا ندهد، ترک کننده فعل (پزشک یا صاحب غذا) مسئول شناخته می‌شود.<sup>۱</sup> این که مسئولیت در دو مثال بالا، به ترک کننده فعل (پزشک یا صاحب غذا) نسبت داده شود، مشکل به نظر می‌رسد، چون اتلاف در این موارد به ترک کننده فعل مستند نیست بلکه به بیماری یا حادثه دیگری مستند است که سبب آن پزشک یا صاحب غذا نیست. گرچه ممکن است بین این دو مثال فرق گذاشت، بدین گونه که کسی که غذا دارد و نمی‌دهد تا گرسنه تلف شود، از وظیفه حفظ نفس سرپیچی کرده و مسئول شناخته می‌شود؛ ولی در بیماری، چون تلف مستند به بیماری است، پزشک مسئول شناخته نمی‌شود. پس در مثال اول، مسئولیت مستقر و در مثال دوم غیر مستقر است.<sup>۲</sup>

#### ۳- احراز رابطه سببیت

صرف وجود زیان و فعل زیانبار برای ضمان و مسئولیت مدنی کافی نیست، بلکه باید رابطه سببیت بین زیان و فعل زیانبار نیز احراز شود. برای مثال اگر کسی اتومبیل روشن خود را در گذرگاه عمومی رها کند و دزد اتومبیل را به سرقت ببرد و در اثر تصادم به دیگری موجب خسارت به عابر گردد، دارنده اتومبیل هرچند تقصیر کرده و اتومبیل خود را به آن صورت وانهاد، ولی عامل زیان نیست و سارق عامل زیان به شمار می‌رود. احراز رابطه سببیت بین تقصیر و ورود ضرر گاهی مسائل پیچیده‌ای را به وجود می‌آورد که تشخیص آن آسان نیست. در مواردی که مسئولیت ناشی از فعل شخص است، باید رابطه سببیت بین تقصیر خوانده و ورود ضرر اثبات شود. اما در فرضی که مسئولیت از فعل غیر به وجود می‌آید، احراز بدین‌گونه ضرورت ندارد. ولی باید ثابت شود که میان فعل یا تقصیر کسی که مسئولیت کار هایش به عهده خوانده است و ورود ضرر رابطه

<sup>۱</sup>. سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الاحکام، ج ۲۹، ص ۱۵۸.

<sup>۲</sup>. قاسم زاده، سید مرتضی، حقوق مدنی (الزام ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد)، ص ۸۱-۸۰.

علّیت وجود دارد. برای مثال، ادعا می‌شود که کارگری هنگام کار به دیگری ضرر زده است و باید کارفرما آن را جبران کند. در این دعوی، رابطه سببیت بین تقصیر کارفرما و ورود ضرر نیازی به اثبات ندارد، لکن باید احراز شود که ضرر ناشی از فعل کارگر است. گفته می‌شود که در این موارد، سببیت غیر مستقیم میان فعل مسئول و زیان وجود دارد و این دو عامل بی‌ارتباط نیستند.<sup>۱</sup>

### ۳-۱. مفهوم رابطه سببیت

در تعریف سبب گفته شده که سبب فعلی است که اگر انجام نمی‌شد، خسارت نیز به بار نمی‌آورد.<sup>۲</sup> تفاوت شرط و سبب هم از این روست که به صرف تحقق شرط، ضرر حاصل نمی‌گردد ولی از نظر عرفی، جای که سبب باشد، ضرر هم هست، به همین دلیل در فلسفه شرط را امری می‌دانند که از عدم آن عدم لازم می‌آید، ولی از وجودش وجود لازم نمی‌آید و سبب آن است که از وجودش وجود و از عدمش عدم لازم می‌آید.<sup>۳</sup> برخی بر این باورند که اگرچه اتلاف موجب مسئولیت بوده، تسبیب و اتلاف غیر مستقیم نیز به گونه اجمالی موجب مسئولیت مدنی است. و در این میان به دنبال ضابطه بودن برای سبب بی‌فایده است و تنها راه، رجوع به روایات است هرچا روایات تسبیب، معتقد به مسئولیت باشند، باید مسئولیت را پذیرفت. صاحب جواهر می‌نویسد: تحقیق این است که ضابطه سببیت، مبتنی بر برداشت از نصوص است که در آن‌ها بر ضمان تصریح شده و تعدی (از مورد آن‌ها) به موارد مشابه بر اساس اجماع یا فهم عرفی است، به گونه ای که عرف آنچه را در نص آمده است، مثالی از موارد هم‌سنخ بداند.<sup>۴</sup> برخی از فقیهان معتقد است که تسبیب در جای است که عمل موجب صدق اسناد اتلاف به مسبب گردد و این در صورتی است که میان تسبیب و تلف مال، اراده فاعل مختار قرار نگیرد؛ مثل کندن چاه و افتادن دیگری در آن. یا اراده ای دیگر در کار باشد،

۱. اونوره (Honore) سببیت و دوری ضرر، فرهنگ بین المللی حقوق تطبیقی، ج ۱۱، ص ۷.

۲. کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد، ص ۲۰۴.

۳. فهیمی، عزیز الله، مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در فقه و حقوق ایران، ص ۲۹۵.

۴. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۳۷، ص ۵۱ و ج ۴۳، ص ۹۶-۹۷.



ولی در حکم عدم باشد؛ مثل ارادهٔ کودکی که بر اتلاف مالی فرستاده شود.<sup>۱</sup> مرحوم مراغی در این باره توضیح سودمندی داده است: «به این که متلف مباشر یا سبب و مانند این ها باشد، توجه نمی‌گردد؛ زیرا آن دو به مرتبه ای اختصاص ندارد، بلکه گاهی سبب یا سبب سبب و... است. بر اساس آنچه از روایات و فتاوا به دست می‌آید، منشأ ضمان اتلاف است، بنابراین، به لحاظ عرف باید «متلف» صدق کند. این که فقیهان اتلاف را به مباشر و سبب محدود کرده اند، به دلیل ارائهٔ ضابطهٔ عرفی بوده است و گرنه دلیلی بر مباشرت و تسبیب و تقدم بر دیگری وجود ندارد. پس معیار، صدق عرفی است. این معیار گاهی بر مباشر و گاهی بر سبب و گاهی بر هر دو منطبق است».<sup>۲</sup>

### ۲،۳. اثبات رابطه سببیت

اثبات رابطه بین فعل زیانبار و وقوع ضرر، با زیان دیده است و باید آن را در دادگاه ثابت کند. گاهی نیز خواننده دعوی به اتیان دلیل مجبور می‌شود و همیشه این خواهان نیست که دلیل بیاورد. برای مثال اگر ساختمانی خراب شود و فرض بر کوتاهی معمار باشد و معمار ادعا کند که عامل خارجی باعث تخریب بوده است، نه کوتاهی او، در این صورت خواننده، حکم خواهان می‌یابد و باید برای ادعای خود دلیل بیاورد.

### گفتار سوم: مبانی فقهی - حقوقی مسئولیت مدنی حفاظت از حیوانات

در ضمن بررسی حقوق حیوانات و رعایت آن‌ها مبنای قرآنی و روایی مسئولیت مدنی حفاظت از حیوانات گذشت. اکنون مبنای حقوقی و فقهی مسئولیت مدنی حفاظت از حقوق حیوانات را بررسی می‌کنیم. از نظر مبنای حقوقی مسئولیت مدنی اگر کسی در مورد حفاظت از حیوانات کوتاهی نماید (تقصیر) و یا این که مبادرت به ایجاد محیط خطرناک نماید (ایجاد خطر) و به حیات و سلامتی حیوانات آسیب وارد نماید (تضمین حق) مسئول جبران خسارات وارده خواهد بود. مبنای فقهی مسئولیت مدنی حفاظت از حیوانات عبارتند از:

<sup>۱</sup>. شهید صدر، سید محمد باقر، بحوث فی شرح عروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۲۷.

<sup>۲</sup>. مراغی، سید میر عبدالفتاح، العناوین الفقهیة، ج ۲، ص ۴۳۵.

## ۱. قاعده لاضرر

به موجب این قاعده که از مسلمات فقه و حقوق است، هرگونه اقدام ضرری که به آلودگی محیط زیست و یا عناصر آن مانند تهدید زندگی حیوانات بیانجامد و به تبع آن انسان و دیگر موجودات متضرر گردد، ممنوع و حرام و موجب ضمان می‌گردد. با توجه به جریان قاعده لاضرر در امور عدمی و نقش اثباتی این قاعده، دولت اسلامی و متصدیان محیط زیست مکلفند که در مرحله وضع و مقررات حفاظتی و به کارگیری تدابیر اجرایی مناسب، همه توان خود را در جهت اصلاح محیط زیست و حمایت از آن مصروف دارد.<sup>۱</sup>

## ۲. قاعده اتلاف

قاعده اتلاف مال دیگران از مهم‌ترین قواعدی است که فقهای اسلام در باب ضمان از آن بهره می‌برند. یکی از روایاتی که مورد استناد قاعده مزبور قرار گرفته این است: امیرالمؤمنین (ع) درباره کسی که حیوانی را بیهوده بکشد یا درختی را قطع کند و یا زراعتی را خراب کند یا خانه ای را ویران سازد، یا چای آب یا نهری را از بین ببرد، حکم فرمود که باید چنین کسی قیمت آنچه را که هلاک و فاسد کرده، غرامت و تاوان بدهد و اگر عمدی بوده، تعزیر و تأدیب هم بشود، ولی اگر به خطا این کار را انجام داده باشد، فقط بر او غرامت است و حبس و تأدیب بر او نیست. و اگر حیوانی را ناقص کند، بر او لازم است تفاوت قیمت آن را به صاحبش تأدیه نماید.<sup>۲</sup>

در این روایت مسئولیت مدنی حفاظت از حیوانات و دیگر عناصر محیط زیست به خوبی بیان شده است.

۱. جعفری سیر یزدی، روح الله، مبانی فقهی حفاظت از محیط زیست، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم، ۱۳۸۶، ص ۱۰۴.

۲. «وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع): أَنَّهُ قَضَى فِيمَنْ قَتَلَ دَابَّةً عَبَثًا أَوْ قَطَعَ شَجَرًا أَوْ أَفْسَدَ زَرْعًا أَوْ هَدَمَ بَيْتًا أَوْ عَوَّرَ بَيْتًا أَوْ نَهْرًا أَنْ يُغْرَمَ فِيمَا اسْتَهْلَكَ وَأَفْسَدَ وَيُضْرَبَ جَلْدَاتٍ نَكَالًا وَإِنْ أَخْطَأَ وَلَمْ يَتَعَمَّدْ ذَلِكَ فَعَلَيْهِ الْغُرْمُ وَلَا حَبْسَ [عَلَيْهِ] وَلَا أَدَبَ وَ مَا أَصَابَ مِنْ بَهِيمَةٍ فَعَلَيْهِ مَا نَقَصَ مِنْ ثَمَنِهَا». نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۹۵.

### ۳. قاعده تسبیب

بر اساس این قاعده، هر نوع ایجاد ضرر به عناصر محیط زیست و منابع طبیعی ولو این که به شکل مستقیم نباشد، مستلزم ضمان است. نکته در خور توجه آن که این قاعده، نقش های تسبیبی ناشی از ترک فعل را نیز در بر می گیرد<sup>۱</sup>. برای مثال اگر مردم یا نهاد های مسئول به موقع اقدام نکرد، و جلو کشتار حیوانات و صید بی رویه گونه های حیوانی را نگرفت به حکم این قاعده، مسئولیت جبران خسارات بر عهده سبب خواهد بود.

### ۴. قاعده نهی از اسراف

بسیاری از زیان های که به محیط زیست وارد می شود، ناشی از اسراف است و اسراف همان زیاده روی در بهره برداری از مواهب الهی است؛ این مسأله در باره امکانات موجود در محیط زیست نیز کاملاً صادق است و از سوی دیگر، حرمت اسراف با ادله روشنی ثابت شده است؛ در نتیجه می توان از قاعده حرمت اسراف نیز در نهی از بهره برداری بی رویه از محیط زیست، استفاده کرد.<sup>۲</sup> خداوند حیوانات را در اختیار بشر قرار داده است تا از آنان استفاده بهینه نمایند صید بی رویه حیوانات و کشتار آنان و از بین بردن گونه های نادر حیوانی را می توان از مصادیق اسراف دانست که خداوند از اسراف نهی کرده است.

### نتیجه

امروزه حقوق حیوانات و حفظ گونه های مختلف آن ها، از جمله مسائلی است که در سراسر جهان از جانب دولت ها و سازمان ها و عموم کسانی که به مسائل زیست محیطی و حمایت از حیوانات علاقمند می باشند، مورد توجه قرار گرفته است. در اسلام، نیز در کنار مسائلی مربوط به انسان ها و حقوق آن ها، مسائل محیط زیست و از

<sup>۱</sup>. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، ج ۱، ص ۱۲۰.

<sup>۲</sup>. مکارم شیرازی، ناصر، دائرة المعارف فقه مقارن، ج ۳، ص ۸۲.

جمله حیوانات، مورد بحث واقع شده است. در منابع فقهی با استناد به آیات و روایات مختلف، حقوق مختلفی برای حیوانات مطرح شده تا مسلمانان نسبت به مسئولیت مدنی حفاظت از حیوانات، متعهد و ملتزم گردند.

برای این که مسئولیت مدنی به وجود آید و قابل طرح در دادگاه ها را داشته باشد وجود سه عنصر ضروری و الزامی است:

ضرر؛

فعل زیان بار؛

رابطه سببیت.

از نظر حقوق مدنی اگر کسی در مورد حفاظت از حیوانات کوتاهی نماید (تقصیر) و یا این که مبادرت به ایجاد محیط خطرناک نماید (ایجاد خطر) و یا به حیات و سلامتی حیوانات آسیب وارد نماید (تضمین حق) مسئول جبران خسارات وارده خواهد بود.

مبانی فقهی مسئولیت مدنی حفاظت از حیوانات عبارتند:

.قاعده لاضرر؛

.قاعده اتلاف؛

.قاعده تسبیب؛

.قاعده حرمت اسراف.

در صورتی که شرایط و ارکان مسئولیت مدنی جمع باشد، زیان دیده حق دارد جبران خسارتی را که به او رسیده مطالبه نماید. عامل ورود زیان نیز ملزم می شود تا ضرری را که به بار آورده، جبران کند.

## منابع

قرآن کریم.  
نهج البلاغه.

### الف) کتاب ها

- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، ۱۴۱۴ق، چاپ سوم.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية، قم، اسماعیلیان، بی تا، چاپ اول.
- ابن حمزه، طوسی، محمد بن علی، الوسيله، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی، ۱۴۰۸ق، چاپ اول.
- ابن براج طرابلسی، عبدالعزیز، المهدب، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۶ق، چاپ اول.
- اردبیلی، احمد (محقق اردبیلی)، مجمع الفائدة و البرهان، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق، چاپ اول.
- ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق، چاپ دوم.
- انصاری، شیخ مرتضی، مکاسب، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق، چاپ اول.
- بادینی، حسن، فلسفه مسؤلیت مدنی؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴ ش. چاپ اول.
- بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۵ق، چاپ اول.
- پیشوایی، مهدی، تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام)، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵ش، چاپ چهارم.
- جعفری سیر یزدی، روح الله، مبانی فقهی حفاظت از محیط زیست، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم، ۱۳۸۶.

- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح اللغة، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ ق، چاپ اول.
- جی. تی. میلر، زیستن در محیط زیست، ترجمه: مجید مخدوم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۲ ش، چاپ هشتم.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ ق، چاپ اول.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)، قواعد الاحکام، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق، چاپ اول.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)، تذکره الفقهاء. قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۴ ق، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_، منتهی المطلب، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_، نهایة الاحکام، قم، مؤسسه آل البيت (ع) ۱۴۱۹ ق، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_، تحریر الاحکام الشرعیه، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۰ ق، چاپ اول.
- حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی)، شرائع الاسلام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق، چاپ دوم.
- حلی، یحیی بن سعید، الجامع للشرائع، قم، مؤسسه سیدالشهداء العلمیه، ۱۴۰۵ ق، چاپ اول.
- حلی، ابو الصلاح، الکافی فی الفقه، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (ع)، ۱۴۰۳ ق، چاپ اول.
- حلی، محمد بن منصور بن احمد (ابن ادیس)، السرائر، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ ق، چاپ دوم.
- حلی، محمد بن حسن بن یوسف (فخر المحققین)، ایضاح الفوائد، قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۷ ق، چاپ اول.

- حسینی، سید محمد، الفقه، البيئه، بيروت، انتشارات مؤسسة الوعي الاسلامي، ۱۴۲۰ق، چاپ اول.
- حسینی، عباس، حقوق حیوانات در ایران و اسناد بین الملل، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۰ش، چاپ اول، ص ۵۴.
- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، دانشگاه تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۷ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ق، چاپ اول.
- سبزواری، محقق، محمد باقر، کفایة الأحكام، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۲۳ق، چاپ اول.
- سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الاحکام، قم، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیت الله، ۱۴۱۳ق، چاپ چهارم.
- شهید صدر، سید محمد باقر، دروس فی علم الأصول، بیروت: دار المنتظر، ۱۴۰۵ق، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_، بحوث فی شرح عروة الوثقی، قم، مجمع الشهدا آية الله الصدر العلمی، ۱۴۰۸ق، چاپ دوم.
- طریحی، فخر الدین، مجمع البحرين، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ق، چاپ سوم.
- طوسی، (شیخ طوسی) محمد بن حسن، الخلاف، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_، الإستبصار، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۹۰ق، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_، المبسوط، تهران، المكتبة المرتضوية، ۱۳۸۷ق، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_، النهاية، تهران، المكتبة المرتضوية، ۱۳۸۷ق، چاپ سوم.
- طباطبایی، سید علی، ریاض المسائل، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۲۲ق، چ اول.

طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ق، چاپ چهارم.  
 عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، الروضة البهية، قم، کتابفروشی، داوری،  
 ۱۴۱۰ق، چاپ اول.

\_\_\_\_\_ مسالك الافهام، قم، مؤسسة المعارف  
 الاسلامیة، ۱۴۱۳ق، چاپ اول.

عاملی، حسن بن زین الدین، معالم الدین، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین، بی  
 تا، چاپ نهم.

عاملی، محمد بن علی، مدارک الاحکام، بیروت، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۱ق.  
 چاپ اول.

عاملی، سیدجواد، مفتاح الکرامه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۹ق، چاپ  
 اول.

علم الهدی، سید شریف مرتضی، الانتصار، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه  
 علمیة قم، ۱۴۱۵ق، چاپ اول.

علم خانی، اعظم، مسئولیت مدنی دولت در قبال آلودگی های زیست محیطی،  
 تهران، خرسندی، ۱۳۹۳ش، چاپ اول.

فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام، قم، انتشارات جامعه مدرسین،  
 ۱۴۱۶ق، چاپ اول.

فاضل هندی، متقی، کنز العمال، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق،  
 فیومی، احمد بن محمد مقری، المصباح المنیر، قم: منشورات دار الرضی، بی تا،  
 چاپ اول.

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، بیروت، دار الکتب العلمیة،  
 ۱۴۱۵ق، چاپ اول.

فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی  
 (ع)، ۱۴۰۶ق، چاپ اول.

فهیمی، عزیز الله، مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در فقه و حقوق  
 ایران، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.



- قاسم زاده، سید مرتضی، حقوق مدنی (الزام ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد)، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۳ش، چاپ دوم.
- کاشانی، فیض، محمد محسن، مفاتیح الشرائع، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی (ره)، بی تا، چاپ اول.
- کاتوزیان، ناصر، کلیات حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹ش، چاپ اول.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، چاپ چهارم.
- لنگرودی، جعفری، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸ش، چاپ دهم.
- لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید هاشم حسینی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ دوم.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۰ش، چاپ چهارم.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق، چاپ اول.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، چاپ اول.
- موسوی (سید مرتضی) علی بن حسین، الرسائل، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۰۵ق، چاپ اول.
- موسوی، فضل الله؛ قیاسیان، فهیمه، جبران خسارات زیست محیطی در حقوق بین الملل، مقاله، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۹۰ش، ص ۳۳۳.
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶ق، چاپ دوازدهم.
- مکارم شیرازی، ناصر، دائرة المعارف فقه مقارن، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۹۲ش، چاپ اول.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق، چاپ هفتم.

نوری، یحیی، اسلام و عقائد و آراء بشری، تهران، مؤسسه مطبوعاتی فرهنگی،  
۱۳۴۶ش، چاپ دوم.  
یزدی، محمد، قانون اساسی برای همه، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۵ش، چاپ  
اول، ص ۳۸۹.  
ب) روزنامه ها  
بهاره صفوی، تنها یک زمین برای همه، جام جم، دوشنبه ۴ خرداد ۱۳۸۳، سال  
پنجم، شماره ۱۱۵۱۲.  
ج) قوانین  
مجموعه قوانین اساسی - مدنی، تدوین غلامرضا حجتی اشرفی.  
ماده ۶ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶ ایران.